

تاریخچه مختصری درباره :

تاپیسری « گلیم دیواری »

قبل از آغاز این بحث بهتر است ابتدا درباره کلمه تاپیسری (گلیم دیواری) صحبت شود . چون وسعت و یا محدودیتش ، زمینه مطالعه آنرا نامحدود ساخته و شاید اشتباه تاریخ نویسان بنام در تاپیسری ، از همین وسعت و یا محدودیت است که از اصل مطلب خارج شده و بحاشیه پردازی پرداخته اند :

در این قسمت بمطلبی جز پارچه های مخصوصی که از پشم و ابریشم در روی دستگاہ بافندگی بافته شده نمی پردازیم . (دستگاہ بافندگی بدون نوع میباشد ، عمودی وقتی که چله ها بطور عمودی قرار گرفته باشد . افقی وقتی که چله ها خوابیده و موازی با زمین باشد) . قبل از همه باید گفت که این پارچه ها بادست و روی چله بافته میشود و مانند پارچه های معمولی که بافندگی آن بوسیله ماشین بافندگی صورت میگیرد و نقش اصلی آن تا بی انتها میتواند تکرار شود نیست .

در قرون وسطی از کلمه تاپیسری (گلیم دیواری) برای هر تابلویی که از نخ یا پشم و ابریشم بافته شده بود و از آن جهت تزئین کلیسا ، کاخ و منازل اعیان نشین استفاده شده بود ذکر میشود .

تاریخ نویسان مشهوری چون (اژن مونتس Eugene Muntz) و (روشو Raechaud) در نوشتن تاریخ پارچه از تاپیسری ، که مطالعاتی دقیق از آن در قرون وسطی داشته اند استفاده کرده اند . حتی سری تابلو های بردری شده متعلق بشهر (بایو Bayeux) در فرانسه که معروف بتاپیسری (ملکه ماتیلا) است نیز تاپیسری گفته اند (بعدها از این سری نامبرده خواهد شد) .

بد نیست بدانیم تاپیسری چه استفاده ای در قرون وسطی و حتی بعدها در قرن چهاردهم داشته است . از همان اوایل قرون وسطی ، در زمانی که هیچ نمیتوان حدث زد که تاپیسری (با دستگاہ عمودی) وجود داشته ، از تکه های بافته شده بسیار عریضی برای تزئین کلیساها استفاده میشد ، مانند قالیچه نماز و یا بصورت تابلو که سرتاسر دیوار کلیسائی را میپوشاند

ولی بهر حال این قطعات را همانطور که گفته شده از هر چیزی که با نخ یا پشم بافته میشود
نم قالی یا تاپسری بر آن میگذاشتند .

تابلوهای نقاشی بسیار قدیمی وجود دارد که متعلق به چندین هزار سال پیش میباشد که
که در نهایت زیبایی است و نشان میدهد که انسان از همان زمان ما قبل تاریخ علاقه وافری
برای تزئین دادن محل سکونت خود حتی با اشیاء بسیار پیش پا افتاده را داشته است . تکه های
پارچه های بسیار قدیمی که کشف شده نشانه یکی از همین تزئینات است .

در کجا و کی این فکر پیدا شده که بین دو چوب بلند تعدادی نخ بکشند تا بصورت چله
کنونی در آید و نخهای دیگری را بصورت یک درمیان از بین آنها بگذرانند که آنرا پود میگویند
و از هر رج برج دیگر برسند . کسی تا کنون تاریخ و محل دقیق آنرا امیداند و از آثار کشف شده
معلوم میگردد که از همان روزگار پایه و اساس هنر بافندگی گذاشته شده است . نوشته ها و نمونه هایی
که بدست آمده نشان میدهد که هنر بافندگی از دیر باز نزد مصریان و یونانیان و عبرانیان
یافت میشده است .

تابلو نقاشی که در (بنی حسن) مصر بدست آمده و متعلق به ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد
میباشد ، از نظر هنر بافندگی حائز اهمیت زیاد میباشد .

در این تابلو دستگاہی شبیه بدستگاہ بافندگی امروزه نشان داده میشود . در این
دستگاہ نخهایی بطور عمودی دیده میشود که بین دو چوب استوانه ای شکل قرار گرفته که
همان چله میباشد . چوب استوانه ای دیگری بوسیله نخهایی که یک درمیان از بین چله ها رد
شده بآن متصل شده است که بآن کج میگویند و برای جدا کردن نخهای زیر و رو مانند امروزه
استفاده میشده است . در این تابلو شیئی دیگری دیده میشود که کلیه بافندگان با آن آشنائی کامل
دارند . و آن شانه است که بعد از هر رفت و برگشت در بافت بر روی نخها فرود میآورند تا
روی هم بطور یکنواخت خوابیده شود .

باستان شناسان در کاوشهای خود نمونه های پارچه ای پیدا نموده اند که بعضی از آنها از چین
و یا از (پرو Perou) آمده است ولی زیباترین و جالبترین آنها از مصر آمده که تعدادشان
زیاد میباشد و اسماً بنام پارچه های (قبطیان Copte) نامیده میشود . این نمونه ها متعلق به
اوایل قرن مسیحی میباشد صحیح است که لوازم و وسائل و طرز کار بهمان صورت قدیم باقی
مانده ولی بندرت میتوان دستگاہهای هنری پیدا کرد که بمرور زمان تغییراتی در اثر رشد
فکری انسان در آنها بوجود نیامده باشد

شاید دانستن آنکه دستگاہ بافندگی (عمودی haute lisse) و یا (افقی basse lisse)
کدامیک زودتر آمده اند اهمیت زیادی نداشته باشد ولی بجزرات میتوان گفت که ابتدا دستگاہ
افقی که از شرق آمده در مصر وجود داشته و بعد از آن دستگاہ عمودی درست شده است . پایه و
اساس بافت در هر دو دستگاہ بیک شکل میباشد .

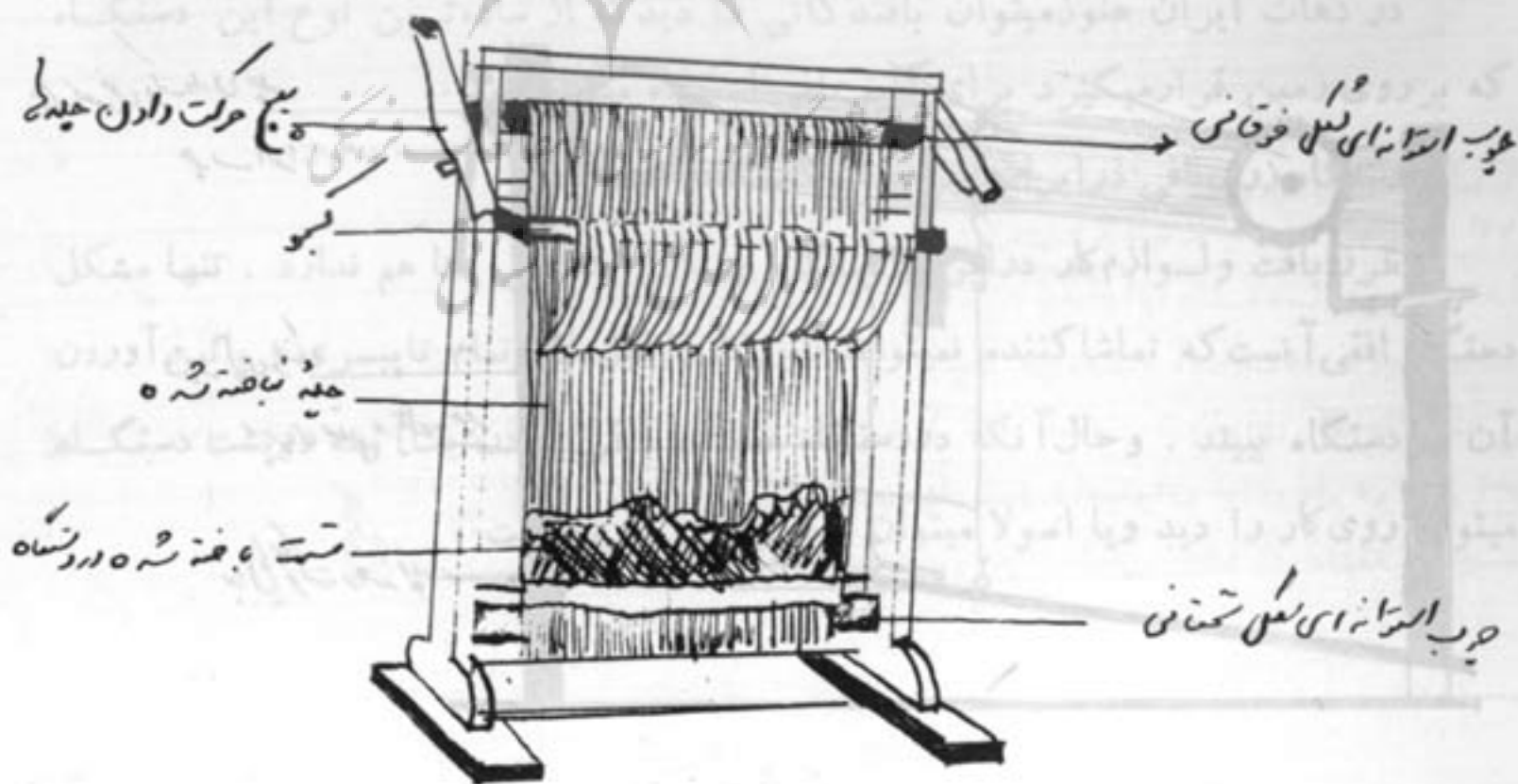
تنها تغییری که در دستگاہ بافندگی بوجود آمده آنست که در قدیم برای کشیدن چله
انسان از زور بازوی خود استفاده میکرد که امروزه بوسیله دو پیچی است که در دو طرف
استوانه فوقانی قرار گرفته است ، و بآن اصطلاحاً دستگاہ پیچ دار گویند . بافت در هر دو

دستگاه بیک شکل صورت میگرد یعنی پود رج برج بر روی چله (تار) بافته میشود. پود که تمام عرض چله‌ها را میپوشاند در مورد پارچه مفهومی ندارد چه نخهای پود در پارچه فقط بعضی از قسمتهای چله را میپوشاند ، یعنی رنگ و نقش پارچه بستگی به چله (تار) و پود دارد و حال آنکه در تاپیسری فقط پود دیده میشود که نقش تاپیسری را بوجود میآورد .

بوسیله تکنیک بافت تاپیسری است که میشود اثری را مانند اثر هنری اصلی آن که در نتیجه کار مشترک هنرمند که طرح را بوجود میآورد و بافنده که آنرا اجرا میکند بوجود آورد اما نه بصورت کپی و حالت سیستماتیک یک ماشین که نقش را بر روی چندین متر از پارچه تکرار میکند و همین نکته مهم است که تاپیسری را از پارچه تمیز میدهد .

امروز بعد از سالهای زیادی که تاپیسری بدست فراموشی سپرده شده بود ، این تکنیک ارزش هنری خود را بصورت عرضه کردن هنری جداگانه بار دیگر احیاء نموده و دوره جدیدی در تاریخ تاپیسری بوجود آورده است .

اگر امروز ، ما هنری بنام تاپیسری میشناسیم دلیلش بودن کارخانه ایست چون (ابوسن Aubusson) در فرانسه که تاپیسری را در قرن ما دو باره بجهانیان شناسانده ، و اگر اکنون کارگاههای متعدد تاپیسری در سراسر جهان بوجود آمده باز هم نتیجه سعی و کوشش بافندگان این کارخانه میباشد که نسل اندر نسل در کارگاههای این کارخانه بیافندگی مشغول بوده اند. (در مورد این کارخانه بعدها گفتگو خواهد شد) .



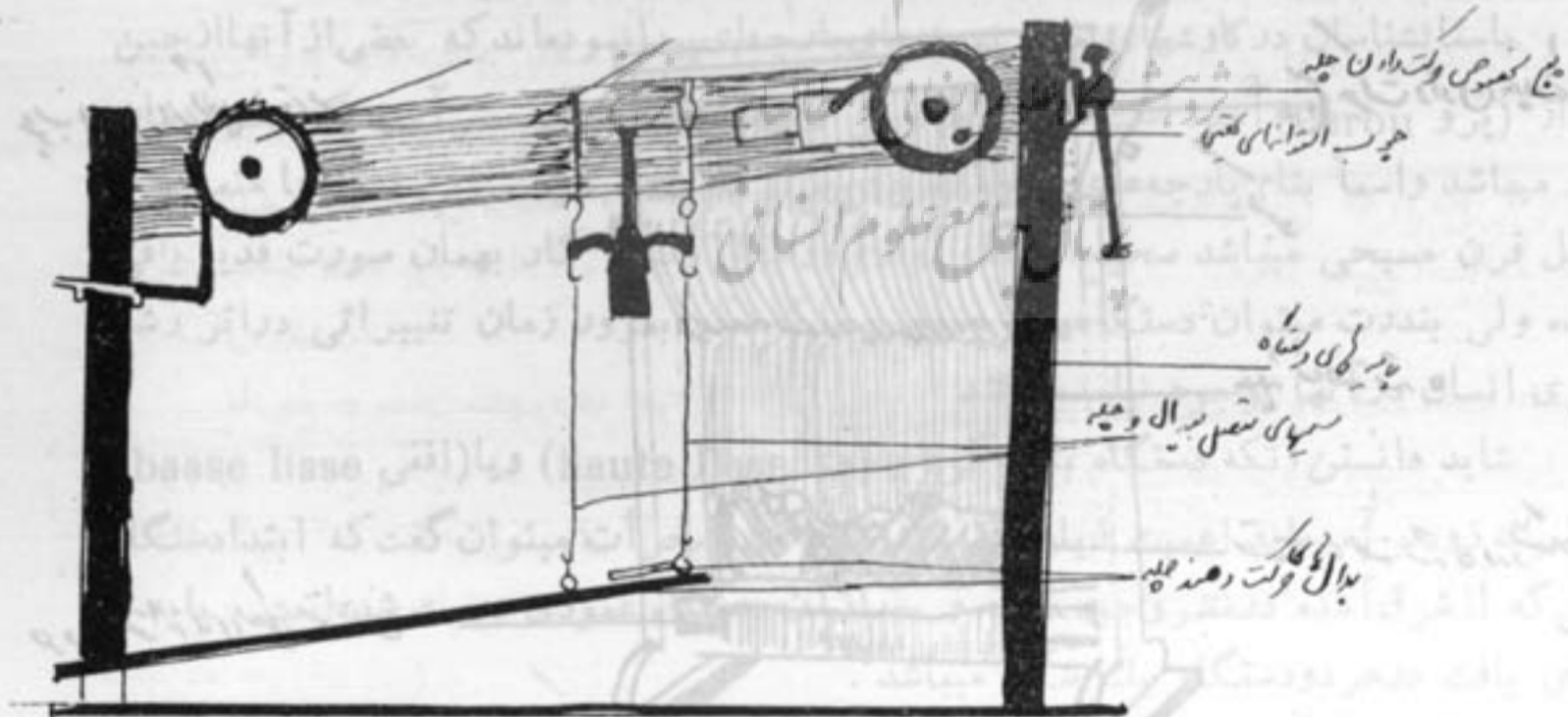
شکل ۱ - دستگاه عمودی بافندگی

شرح مختصری در باره دستگاه عمودی (haute lisse)

این دستگاه از دو چوب استوانه‌ای شکل تشکیل شده که بطور افقی بفاصله در حدود ۱۲۵۰ متر یکی در روی دیگری در جهت عمودی قرار گرفته است. این دو استوانه روی دو دوپایه نصب شده و متحرک میباشد (میچرخد) تحرك این دو استوانه برای کشیدن یا شل نکردن تاپیسری است که روی دستگاه مشغول بافتن هستند. استوانه‌ها کار را محکم و صاف روی دستگاه نگه میدارند.

استوانه فوقانی دارای چله بافته نشده و استوانه تحتانی قسمت بافته شده را در بردارد بتدریج که کار بالا میرود استوانه تحتانی آنرا لوله و جمع میکند و استوانه فوقانی چله بافته نشده را در دسترس بافنده میگذارد. عکس این حرکت غیر ممکن است.

(نار) چله بوسیله چوب استوانه‌ای شکل دیگری بطوریک در میان از هم جدا شده است. این چوب بوسیله نخهائی بنخهائی عقبی تار متصل میباشد و نخهائی جلوئی تار آزاد میباشند بالا و پائین آوردن این چوب که بآن کجو میگویند تارهای عقبی برای بافتن مقابل بافنده قرار میگیرد. اگر نخهائی که کجو را به تار متصل میکند بلندتر باشد مانند شکل (۱) دیگر بالا و پائین آوردن کجو لزومی ندارد و با کشیدن این نخها عمل بالا و پائین بردن چوب کجو انجام میگیرد و بسیار سهلتر است. این دستگاه امروزه در ایران در هنرقالی بافی و کلیم بافی استفاده میشود.



شکل ۲ - دستگاه افقی بافندی

(شرح مختصری درباره دستگاه افقی Basse lisse)

این دستگاه نیز شامل دو چوب استوانه میباشد که بفاصله در حدود ۱٫۵۰ متر بموازات هم قرار گرفته اند و کمی شیب دار نیز میباشد.

دو چوب استوانه ای موازی هم ، خود با زمین موازی میباشد یعنی دستگاه بطور افقی مقابل بافنده قرار میگیرد .

استوانه متحرك بوده ، استوانه عقبی چله بافته نشده را در بردارد و استوانه جلوئی که نزدیکتر بافنده است قسمت بافته شده را میگیرد .

دو استوانه ذکر شده توسط پایه های بفاصله یکمتر از زمین قرار گرفته اند .

در این دستگاه کجی وجود ندارد و جلو و عقب آمدن چله ها (تارها) بوسیله دو پدالی صورت میگیرد که در زیر پای بافنده قرار دارد و با حرکت دادن پدال تارها را بحرکت در میآورد .

در دهات ایران هنوز میتوان بافندگانی را دید که از ساده ترین نوع این دستگاه که بر روی زمین قرار میگیرد برای گلیم بافی استفاده میکنند .

دستگاه ذری بافی در ایران نیز همان دستگاه افقی است .

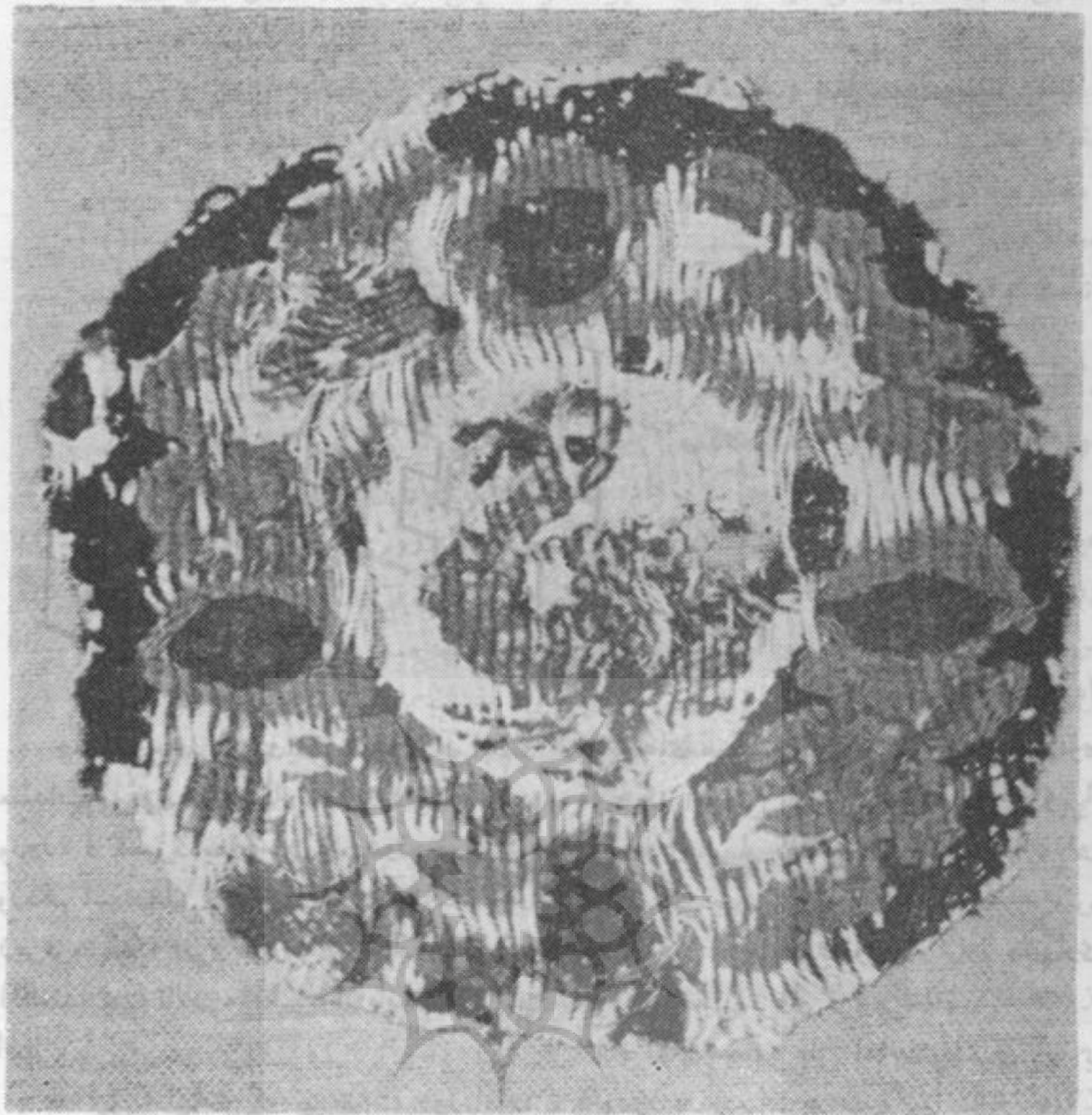
طرز بافت و لوازم کار در این دو دستگاه چندان اختلافی با هم ندارد . تنها مشکل دستگاه افقی آنست که تماشاکننده نمیتواند روی کار را قبل از اتمام تاپیسری و پائین آوردن آن از دستگاه ببیند . و حال آنکه در دستگاه عمودی با قراردادن يك آئینه در پشت دستگاه میتوان روی کار را دید و یا اصولا میتوان تاپیسری را از روبافت .



شکل ۳

قسمتی از یک نوار از دوره قبطیان با ابعاد 14×13 سانتی متر. تکنیک بافت و نقش و رنگهای متناسب این قطعه را جزو پارچه‌های مرغوب بشمار می‌آورد. امکان دارد این بافت از روی نقشه‌ای صورت گرفته باشد. شکل‌های کوچک مثلثی (که اطراف پرنده دیده میشوند) را میتوان جای قلم موی طراح بحساب آورد خط خمیده، برجستگی نقشه از زمینه پارچه نشان دهنده نوع دیگری از طرح است چه اغلب بصورت اشکال هندسی مخصوص بافتنی است میتوان حدس زد که این قطعه در یکی از شهرهای بزرگ بافته شده است.

از لحاظ شخصیت ناتورالیستی که این نقش دارد آنرا به دسته هلنیستیک hellenistique نسبت میدهند.



آقای ...
 و چهار شیشه سوری و سیزده ...
 مردال بافته شده دایره شکل به قطر ۱۵ سانتی متر که نقش
 يك اردك را نشان میدهد. (۱۹۰۰) توسط پایتوت و ...
 این قطعه بطور واضح تکنیک بافندگی را در زمان
 (قبطیان) نشان میدهد، نخهایی که بعنوان چله استفاده شده
 بخوبی نمایان است و طرز پوشیده شدن چله بوسیله پود بخوبی
 مشاهده میشود.
 (شماره) نماییه گان ۲۵ کشور ...
 جهانی بین ...
 بنیان نهادند. در سال ...
 (شماره) مرکز ...